



Civil Liability of Multiple Tortfeasors and the Apportionment of Liability among Them in Iranian Law and the Principles of European Tort Law

Davood. Andarz¹

1: Assistant Professor, Department of Law, Damavand Branch, Islamic Azad University, Damavand, Iran: davood.andarz@gmail.com

Abstract: Little difficulty in identifying the perpetrator of the harmful act, and the existence or absence of a causal relationship between the act and the damage can be determined with relative ease. However, when multiple factors contribute to the occurrence of the harm and several agents are involved, the matter becomes significantly more complex and important. This issue constitutes one of the more intricate topics in civil liability law. On one hand, it is necessary to distinguish the liable parties among the multiple contributing factors; on the other hand, it must be determined how the injured party may seek redress from the various actors, as well as the extent of each party's liability. This requires the existence of clear and well-defined legal standards and criteria, to both prevent the issuance of contradictory judgments and ensure that no damage remains uncompensated. More importantly, compensation must be awarded in a fair and equitable manner so as to avoid injustice. Nevertheless, determining the appropriate method for achieving fair compensation in cases involving multiple contributing causes remains one of the most challenging issues in the field of civil liability law. This study explores the aforementioned subjects through a descriptive-analytical approach, based on statutory provisions, the views of Islamic jurists (fuqahā), and legal doctrine, with a comparative perspective between Iranian law and the Principles of European Tort Law (PETL), in order to highlight the similarities, differences, and existing gaps within the Iranian legal system.

Keywords: Multiple Causes, Principles of European Tort Law, Causation, Necessary Condition, Proportional Liability, Joint and Several Liability.

- D. Andarz (2025), "Civil Liability of Multiple Tortfeasors and the Apportionment of Liability among Them in Iranian Law and the Principles of European Tort Law", Semnan University: *Islamic Law and Jurisprudence Studies*, 17(38), 299-334.

[Doi: 10.22075/feqh.2023.29454.3480](https://doi.org/10.22075/feqh.2023.29454.3480)

فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی

سال ۱۷ - شماره ۳۸ - بهار ۱۴۰۴

صفحات ۲۹۹-۳۳۴ (مقاله پژوهشی)

تاریخ: وصول ۱۴۰۱/۱۰/۰۸ - بازنگری ۱۴۰۲/۰۵/۱۸ - پذیرش ۱۴۰۲/۰۶/۱۱

مسئولیت مدنی عوامل متعدّد و نحوه تقسیم مسؤولیت بین آنها در حقوق ایران و اصول حقوق مسؤولیت مدنی اروپا

داود اندرز^۱

davood.andarz@gmail.com

۱: استادیار گروه حقوق، واحد دماوند، دانشگاه آزاد اسلامی، دماوند، ایران

چکیده: هرگاه در مسؤولیت مدنی، عامل ورود خسارت واحد باشد مشکل چندانی در تعیین فاعل فعل زیانبار پیش نمی آید و به راحتی می توان به وجود یا عدم وجود رابطه سببیت میان فعل ارتكابی و ضرر وارده پی برد، اما هنگامی که عوامل ورود خسارت، متعدّد بوده و چندین عامل در ورود خسارت دخالت داشته باشند مسأله از پیچیدگی و اهمّیت دو چندان برخوردار می شود. این مسأله از مباحث دشوار مسؤولیت مدنی است؛ چه آن که از یک طرف، ابتدا باید مسؤولان حادثه از بین عوامل متعدّد متمایز شده و از طرف دیگر، در مرحله بعد، نحوه مراجعه زیان دیده به عوامل و نیز میزان مسؤولیت هر یک از عوامل تعیین شود که این امر مستلزم وجود ضوابط و معیارهای مشخص است تا هم از صدور آراء متعارض جلوگیری گردد و هم زیانی جبران نشده باقی نماند و مهم تر این که جبران خسارت به نحو عادلانه ای صورت گیرد تا بر کسی اجحافی نشود. اما این که در صورت تعدّد عوامل، چه روشی برای جبران خسارت عادلانه است از سخت ترین مباحث حقوق مسؤولیت مدنی است. در این تحقیق، موضوعات مذکور به شیوه توصیفی - تحلیلی با توجه به مقرّرات موضوعه، نظرات فقها و دکترین حقوقی به صورت تطبیقی در حقوق ایران و اصول حقوق مسؤولیت مدنی اروپا مورد بررسی گرفته تا تشابهات، تفاوت ها و خالاهای موجود در حقوق ایران نمایان شود.

کلیدواژه: عوامل متعدّد، اصول مسؤولیت مدنی اروپا، تسبیب، شرط ضروری، مسؤولیت نسبی، مسؤولیت تضامنی.

مقدمه

در صورت انتساب خسارت وارده، به چند عامل، تعیین این که از بین این عوامل کدام یک مسؤول است و چگونه و به چه میزان می توان به آنها مراجعه کرد، جزو مباحث بسیار سخت و پیچیده حقوق مسئولیت مدنی است و از اینرو، نظرات مختلفی در این خصوص ارائه شده است. مطالعه تطبیقی و توجّه به آخرین یافته های علمی در سطح جهانی در این خصوص می تواند خیلی مفید باشد و به قانونگذار داخلی این امکان را دهد که ضمن بررسی جوانب و آثار و تبعات هریک از راه حلّ های ارائه شده، بهترین آنها را منطبق با ساختار و نظام حقوقی خویش برگزیند. از جمله اسناد مهم در این خصوص، «اصول حقوق مسئولیت مدنی اروپا» می باشد که حاصل آخرین دیدگاه های حقوقی پذیرفته شده در کشورهای اروپایی در باب مسئولیت مدنی است. به دنبال احیای فعالیت های علمی پیرامون مطالعات حقوقی در دانشگاه های اروپا، تمایل زیادی به ارائه اصول حقوقی کاملاً عقلانی و علمی شکل می گیرد تا آن که از سال ۱۹۹۲ میلادی، یک گروه از حقوق دانان اروپایی تصمیم بر آن گرفتند تا همایشی را برای بحث در مورد مسائل اساسی مسئولیت مدنی اروپا تشکیل دهند. این گروه از حقوقدانان که «گروه تیل برگ» نام داشت و امروزه به نام «گروه اروپایی حقوق مسئولیت مدنی» شناخته می شود، در نهایت، در سال ۲۰۰۵ میلادی موفق به انتشار «اصول حقوق مسئولیت مدنی اروپا» می شوند. در مقاله حاضر تلاش خواهیم کرد تا فروض مختلفی را که عوامل متعدّد ممکن است بر اساس حقوق ایران و اصول حقوق مسئولیت مدنی اروپا در وقوع ضرر نقش داشته باشند، مشخص و از میان عوامل متعدّد، مسؤولان را شناسایی و سپس نحوه مراجعه زیان دیده به عاملان و نحوه تقسیم مسئولیت بین آنها را به طور جداگانه در حقوق ایران و اصول حقوق مسئولیت مدنی اروپا بررسی کنیم تا تفاوت ها و تشابهات رویکردها در خصوص

نحوه تعیین عوامل مسؤول مشخص و ابهامات و خلاهای موجود در حقوق ایران نمایان شود.

۱- فروض مختلف تعدّد عوامل

گر عوامل مختلف در وقوع حادثه نقش داشته باشند فروض مختلفی مطرح می شود. در این قسمت فروضی را که عوامل متعدّد موجب ورود ضرر می شوند و نظراتی را که در هر کدام از آن فروض مورد پذیرش قرار گرفته بر اساس مقررات موضوعه ایران و اصول حقوق مسؤولیت مدنی قهری اروپا به طور جداگانه مورد بررسی می دهیم:

۱-۱- حقوق ایران

۱-۱-۱- تعدّد مباشرین

اگر چند عامل به صورت مستقیم و با کمک یکدیگر خسارتی را ایجاد می نمایند، دو حالت را می توان تصوّر کرد: اوّل این که مباشرین به صورت طولی ضرر زده باشند و دوّم این که به صورت همزمان خسارت را وارد کرده باشند. در زیر هر دو حالت جداگانه بحث می شود:

حالت اوّل: تعدّد مباشرین به نحو طولی

گاهی عوامل ایجاد کننده ضرر در زمان های مختلف و به صورت مستقیم در تحقق آن دخالت دارد. سؤال این است که آیا این حالت از حالت های تعدّد مباشرین است که به صورت طولی، عامل ایجاد ضرر شده اند؟ در پاسخ باید گفت اگرچه در نگاه اوّل هر دو عامل مستقیماً و به صورت مباشرت در ضرر دخیل بوده اند، اما با کمی دقت مشخص می شود که فعل شخص نخست نسبت به فعل شخص دوّم، سبب حادثه محسوب می گردد و با تعریف سبب منطبق است. بنابراین مسأله از فروض اجتماع سبب و مباشر است و در هیچ حالتی اجتماع مباشرین به صورت طولی فرض ندارد و در اجتماع مباشرین همزمانی در ایجاد خسارت شرط است (مصطفوی و امین

زاده، ۱۳۹۰: ۴۲). از اینرو، اگر ماده ۳۷۱ قانون مجازات از مصادیق چند مباشر طولی دانسته شود، قابل انتقاد است. به دلیل این که ظاهراً این ماده نظریه سبب موخّر در تأثیر را انتخاب کرده است؛ در حالی که ملاک در تعیین مسؤول جبران خسارت صدق عرفی است و بعید است عرف در این مورد قتل را به شخص دوّم منتسب بداند، زیرا آسیب شخص اوّل به تنهایی موجب قتل می گردید و احتمال داده اند که این ماده از مصادیق تراحم موجبات ضمان نباشد (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۷: ۳۱۹).

حالت دوم: تعدّد مباشرین به نحو عرضی

منظور از عرضی بودن اجتماع مباشرین همزمانی در ایجاد ضرر است؛ یعنی چند نفر مشترکاً و به صورت مستقیم در یک زمان، زانی را به متضرّر وارد آورند؛ مطابق ماده ۵۲۸ قانون مجازات اسلامی، ظاهراً در این مورد نظریه برابری اسباب پذیرفته شده است (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۷: ۳۱۹) در فقه هم حکم حالت اجتماع مباشرین عرضی همان حکم حالت اجتماع اسباب عرضی و یا حالتی که اسباب با هم مساوی اند، دانسته شده است؛ یعنی در این مورد حکم به تشریک ضمان داده می شود و همه مباشران به طور مساوی مسؤول اند (رشتی، بی تا: ۳۹-۴۰).

۲-۱-۱- تعدّد اسباب

اگر چند عامل به صورت غیرمستقیم باعث ورود ضرری شوند، بحث تعدّد اسباب مطرح می گردد؛ در اینجا نیز اسباب ممکن است به صورت طولی یا عرضی موجب ورود ضرر شوند که جداگانه مورد بررسی قرار می گیرد:

حالت اول: تعدّد اسباب به نحو طولی

در مواردی که عوامل متعدّد به صورت غیر مستقیم، ضرری را به وجود آورده اند، به سختی می توان گفت که کدام عامل یا عوامل مسؤول است. مواردی نیز وجود دارد که شخص حادثه زیانباری را به وجود می آورد ولی این حادثه به نوبه خود ضرر دیگری را ایجاد می کند و این ضرر نیز سبب ورود زیان تازه ای می شود. در اینجا سؤالی که مطرح می شود این است که آیا کسی که نخستین حادثه را سبب

شده است مسؤول ضررهای دوّم و سوّم نیز می باشد و این تسلسل را تا کجا باید ادامه داد و آیا می توان تقصیر او را سبب ایجاد همه ضررها دانست؟ اما سؤال اصلی این است که آیا این موارد جزو تعدّد اسباب هستند؟ برخی از حقوقدانان، این مورد را از موارد تعدّد اسباب به صورت طولی دانسته اند (کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۴۵۱؛ قاسم زاده، ۱۳۸۶: ۹۰). به نظر می رسد که این موارد تسلسل اسباب و علل است و قیاس آن با تعدّد اسباب، قیاس مع الفارق است. چون در چنین مواردی وجود عوامل واسطه تسبیب را ضعیف می کند و از نظر عرفی سبب در برابر حادثه اخیر بی اثر تلقی می شود و حکم مباشر قوی در برابر سبب ضعیف را پیدا می کند؛ بنابراین باید این فرض را خارج از فرض تعدّد اسباب دانست (عمید زنجانی، ۱۳۸۹: ۸۸).

وقتی چند سبب در زمان های مختلف، عامل تلف باشد یا عامل ایجاد تلف تجزیه پذیر باشد، فرض تعدّد اسباب به نحو طولی مطرح است. در این مورد، نظرات مختلفی مطرح شده است (کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۴۵۳-۴۷۰؛ قاسم زاده، ۱۳۸۶: ۹۳-۱۰۲؛ مصطفوی و امین زاده، ۱۳۹۰: ۷۶-۹۰) که از بین آنها، نظریه برابری اسباب و سبب مقدّم در تاثیر طرفداران بیشتری دارد. به موجب نظریه برابری اسباب، هر یک از اسباب در سبب های دیگر افاضه سببیت می کند و شرایط را برای اثر بخشیدن آن فراهم می نماید؛ بنابراین تمام آنها سهم برابر دارند. طبق این نظریه، تمام عوامل و حوادث مؤثر در پیدایش ضرر، اعمّ از این که به نحو شرط و مقتضی دخالت نموده یا به نحو سبب و علّت دخالت کرده باشند، به عنوان سبب حادثه تلقی می شوند (باریکلو، ۱۳۸۵: ۱۲۶). برخی از فقها نیز هرچند در ابتدا نظریه سبب مقدّم در تأثیر را می پذیرند ولی در ادامه بحث معتقدند از آنجا که تلف منحصر به یکی از آنها نبوده، به نظر می رسد هر دو ضامن باشند (محقق حلّی، ۱۴۰۸: ۲۴۱/۴) اما برخی دیگر از فقها به طور قاطعانه ضامن هر دو سبب را پذیرفته و از نظریه مشهور، یعنی ضامن سبب مقدّم در تأثیر انتقاد کرده اند (خوئی، ۱۳۹۶: ۱۱۲/۲). برخی از حقوقدانان نظریه سبب متعارف

و اصلی را نظریه منتج نامیده اند (السنهوری، ۱۹۵۲: ۹۰۵/۲) و برخی نیز از آن به عنوان نظریه «شرط مناسب یا کافی نتیجه» یاد کرده اند که بر مبنای آن تمام شرایطی که در ایجاد خسارت دخالت داشته اند از نقطه نظر مسؤولیت یکسان نیستند و نباید سبب خسارت به شمار آیند بلکه تنها حوادثی سبب به شمار می آیند که عادتاً در یک سیر متعارف منجر به ورود ضرر گردند و قابل پیش بینی باشند (نقیبی، ۱۳۸۶: ۷۸).

قانون مجازات اسلامی مصوّب ۱۳۹۲ در مواد ۵۳۵ و ۵۳۶ از دو نظریه متفاوت تبعیت کرده است. در ماده ۵۳۵، به پیروی از نظر مشهور فقهای امامیه (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۱۶۴/۱۲؛ محقق حلی، ۱۴۰۸: ۲۴۰/۴-۲۴۱) سبب مقدّم در تأثیر را مسؤول شناخته است. ایراد آن است که تأثیر سبب اوّل به تنهایی موجب مسؤولیت مدنی نمی شود و باید ضرر نیز به وجود آید و قبل از تأثیر سبب دوّم هنوز ضرری به وجود نیامده است و ضرر عرفاً مستند به همه عوامل است و نمی توان فقط یکی را مسؤول دانست (کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۳۷۹؛ صفایی و رحیمی، ۱۳۹۷: ۳۱۴)؛ به علاوه، تعدّد اسباب را نمی توان با اجتماع سبب و مباشر مقایسه کرد؛ چون سبب رابطه مستقیم با ضرر ندارد و تنها زمینه ورود ضرر را فراهم می کند و حتی اگر منظور فقها آن باشد که عرف ضرر را به سبب مقدّم در تأثیر مستند می داند، باز این سخن صحیح نیست، چون معلوم نیست که همیشه در صورت اجتماع سبب و مباشر، عرف مباشر را مسؤول بشناسد و در مواردی باید هر دو را مسؤول دانست و دلیلی بر تقدّم و اولویت وجود ندارد مگر آن که ضرر با یکی از اسباب رابطه سببیت نداشته باشد که از بحث تعدّد اسباب خارج است (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۷: ۳۱۵) اما قانونگذار در ماده ۵۳۶ نظریه سبب مؤخّر در حدوث یا وجود را پذیرفته است.

اتخاذ دو نظریه کاملاً متفاوت در یک قانون آن هم در دو ماده پشت سر هم قابل انتقاد است مگر آن که جمله دوّم ماده ۵۳۶ را با توجه به مثال مذکور در جمله اوّل

تفسیر کنیم و از اطلاق آن دست برداریم؛ به این معنی که فعل شخص اول مجاز ولی فعل شخص دوم غیر مجاز باشد. برخی از حقوقدانان هم ضمن انتقاد به ماده ۵۳۶ بر این باورند که شاید منظور ماده آن است که اگر یکی از دو سبب مرتکب تقصیر سنگین شده باشد یا قصد اضرار داشته باشد ولی سبب دیگر مرتکب تقصیر سبک یا خیلی سبک شده باشد، عرف ضرر را مستند به مرتکب تقصیر سنگین یا دارنده قصد اضرار می داند و در این صورت جمله دوم ماده ۵۳۶ منطقی و مطابق قاعده خواهد بود (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۷: ۳۲۱). به نظر می رسد راه حلّ های ارائه شده در هر یک از این نظرات بخشی از حقیقت را در خود دارند. برای ارائه یک راه حلّ جامع باید از تمام نظرات استفاده نمود و سهمی برای هریک در نظر گرفت. در اجتماع اسباب طولی بهتر است سلسله مراتب زیر رعایت گردد: در صورتی که همه اسباب قصد اتلاف داشته اند، باید همه آنها را ضامن دانست و در صورتی که یکی از آنها قصد اتلاف داشته و دیگری تنها از روی بی مبالاتی و بی احتیاطی مرتکب عملی شده باشد، باید آن که را عاقد بوده، مسؤول دانست، اما اگر قصد اتلاف هیچ یک از اسباب طولی محرز نباشد، باید دید کدام یک با ملاک و ضابطه قوی تر بودن منطبق است که در این صورت، تنها همان سبب، مسؤول خسارات است.

از این حالت به بعد است که در رابطه با اجتماع اسباب طولی، اختلاف نظر در تئوری های مطرح شده به چشم می آید که بهتر است داوری عرف را در موارد گوناگون ملاک قرار دهیم و با توجه به میزان تأثیر هر یک از اسباب، مسؤولیت را به نسبت تقسیم کنیم و در مواقع عدم احراز چنین امری همه اسباب را ضامن بدانیم. چون در برابر خسارت حاصله، این عوامل نقش مساوی دارند (مصطفوی و امین زاده، ۱۳۹۹: ۱۰۰-۱۰۲).

حالت دوم: تعدّد اسباب به نحو عرضی

هرگاه عوامل به طور همزمان و در عرض یکدیگر عمل کنند و عامل دور و نزدیک در آن متصور نباشد، مورد از مصادیق اجتماع عرضی اسباب به شمار می رود. برخی از فقها در این فرض بین دو حالت تفکیک قائل شده اند: در حالتی که هیچ کدام از اسباب به تنهایی قادر به ایجاد خسارت مورد نظر نباشد، حکم به تشریک یا تساوی اسباب داده اند، اما در حالتی که اگر هریک از اسباب به تنهایی هم مداخله می کرد باز چنین ضرری ایجاد می شد، حکم به تعخیر داده و مسؤولین را متضامناً مسؤول می دانند (رشتی، بی تا: ۳۹-۴۰) در حقوق ایران، به حالت اجتماع چند سبب که همزمان تاثیر کنند و موجب بروز خسارت شوند، تصریح نشده است. با وجود این، شاید بتوان از ماده ۵۳۳ قانون مجازات اسلامی - بدون تفکیک بین دو حالت - چنین استنباط کرد که در این فرض، نظریه برابری و اشتراک اسباب پذیرفته شده است. این استنباط با صدق عرفی اتلاف و احراز رابطه سببیت عرفی سازگار است و ماده ۵۲۹ همان قانون این استنباط را تقویت می کند (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۷: ۳۲۰).

۳-۱-۱- تعدّد سبب و مباشر

هرگاه خسارت در نتیجه همکاری سبب و مباشر به وجود آید، یعنی عاملی سبب خسارت و عامل دیگری مباشر آن باشد، این سؤال مطرح می شود که کدام عامل ضامن است؟ در واقع، به بیان برخی از حقوقدانان هرگاه سخن از سبب پیش می آید، بی تردید مباشر نیز وجود دارد، زیرا معنای تسبیب انجام عمل با واسطه است و واسطه همان مباشر است. بدین ترتیب، اجتماع سبب و مباشر بدین مفهوم است که گاه ممکن است هم مباشر و هم سبب در بروز خسارت دخالت داشته باشند. (محقق داماد، ۱۳۸۴: ۱۲۰-۱۲۱) مطابق ماده ۳۳۲ قانون مدنی در این حالت مباشر مسؤول است مگر این که سبب، اقوی باشد به نحوی که عرفاً اتلاف مستند به او باشد. چون در این حالت غلبه آن است که مباشر اقوی است اما خلاف آن قابل اثبات است. در حالتی که نقش مباشر و سبب برابر است، مباشر مسؤول است که قابل انتقاد به نظر

می رسد و مشخص نیست که چرا در فرضی که ضرر به سبب و مباشر به طور مساوی منتسب است، تنها مباشر باید مسؤول باشد (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۷: ۳۲۲) اما مطابق ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ که نسبت به قانون مدنی قانون موخر و آخرین اراده قانونگذار می باشد، اگر جنایت واقع شده هم به سبب و هم به مباشر منتسب باشد، هر دو مسؤول هستند و در تقسیم مسؤولیت بین آنها نیز اگر تأثیر رفتارشان متفاوت نباشد، به صورت مساوی و در غیر این صورت به نسبت تأثیر هر یک تقسیم صورت می گیرد. سؤال این است که آیا بین مقررات قانون مدنی و قانون مجازات تعارضی وجود دارد؟ برخی از اساتید با محرز دانستن تعارض معتقدند که چون قانون مجازات مصوب ۱۳۹۲ مؤخر بر قانون مدنی است، در نتیجه ناسخ آن می باشد (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۷: ۳۲۲). به نظر می رسد که قانون مجازات اسلامی ناسخ قانون مدنی نبوده و امکان جمع بین مقررات این دو قانون با توجه به قاعده «الجمع مهما امکن أولى من الطرح» وجود دارد؛ چون مقررات قانون مدنی عام بوده و شامل هرگونه اتلاف می گردد و موضوع آن «مال» است ولی مقررات قانون مجازات اسلامی خاص بوده و صرفاً ناظر بر «جنایت» است. البته از آنجا که برخلاف قانون مجازات عمومی قبل از انقلاب، تقسیم جرایم به جنایت، جنحه و خلاف در قوانین بعد از انقلاب منسوخ گردیده، باید گفت که منظور از جنایت همان جرم است که در قانون برای آن مجازات تعیین گردیده است صرفنظر از درجه و شدت آن. این نظر با مقررات فعلی هم بیشتر مطابقت دارد، زیرا هر اتلافی لزوماً جرم تلقی نمی شود و گاهی اتلاف غیرعمدی است و تقصیر در آن شرط نیست که در این صورت، ضمانت اجرای آن صرفاً جبران خسارت خواهد بود، اما در جنایت موضوع قانون مجازات اسلامی از جمله اتلاف عمدی وجود سوء نیت و عنصر روانی جرم شرط است و حتی می توان گفت که در جنایت لزوماً تلف مال رخ نمی دهد. بنابراین، می توان گفت که قانون مجازات اسلامی، قانون مدنی را در این خصوص تخصیص

زده و ناسخ آن نمی باشد. البته فلسفه پذیرش دو نظریه متفاوت در دو قانون مشخص نیست و رویه قضایی در این خصوص می تواند راهگشا باشد.

شیوه قانونگذاری ایران قابل انتقاد به نظر می رسد. چون خیلی از مقررات راجع به مسئولیت مدنی در قانون مجازات اسلامی در ذیل فصل چهارم (مسئول پرداخت دیه) از کتاب چهارم (دیات) آمده است. در هم جنبه کیفری و هم جنبه حقوقی متبلور است ولی موارد زیادی وجود دارد که صرفاً جنبه مسئولیت مدنی و جبران خسارت داشته و پیش بینی مقررات راجع به آنها در قانون مجازات امری پسندیده نیست؛ لذا بهتر است قواعد راجع به مسئولیت مدنی و مسئولیت کیفری در قوانین موضوعه هر کدام به طور جداگانه پیش بینی شود. بدیهی است بر حسب این که خسارت وارده جنبه کیفری داشته باشد یا نه روند رسیدگی و مرجع صالح برای رسیدگی بدان متفاوت خواهد بود، چون شکایات کیفری روند دادسرا و دادگاه کیفری را طی می کنند ولی دعاوی حقوقی مستقیماً در دادگاه حقوقی مطرح می شوند.

۴-۱-۱- اسباب مجمل

در اسباب مجمل، از بین عوامل متعدّد، در عین حال که عامل زیانبار مشخص نیست و نمی دانیم کدام عامل است، مسلماً یکی از آنها خسارت را ایجاد کرده است. در اینجا ممکن است تعداد عوامل متعدّد، عرفاً نامحدود و غیرمحصور باشند یا محدود و محصور که در ذیل جداگانه به آنها می پردازیم:

حالت اول: سبب مجمل در بین اسباب غیرمحصور

در فرضی که اسباب محصور نباشد، فقهای امامیه در بحث کشته شدن در اثر ازدحام، معتقد به پرداخت دیه از بیت المال بوده (شیخ طوسی، ۱۴۲۰: ۳۱۰/۲۰؛ شیخ بهایی، بی تا: ۴۳۳) و به قاعده «لا یبطل دم امرئ مسلم» استناد می کنند و چون امام، وارث شخص بلاوارث است در این موارد هم باید دیه پرداخت کند (خوئی، ۱۴۲۲: ۱۴۲/۴۲) این راه حلّ، مختصّ خسارت بدنی و مربوط به قتل مسلمان است و نمی توان آن را به سایر

خسارات تعمیم داد. ماده ۴۸۷ قانون مجازات اسلامی هم هر چند بین مسلمان و غیرمسلمان تفاوت قائل نشده، اما با توجه به تفسیر مضیق قوانین جزایی، اعمال مفاد این ماده در خصوص خسارات غیربدنی و حتی خسارات بدنی غیرقتل دشوار است (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۷: ۳۳۱)؛ لذا اهمیت تفکیک مقررات جزایی از مقررات راجع به مسؤولیت مدنی که جنبه کیفری ندارد و قانونگذار ایران هم پس از گذشت بیش از یک قرن از زمان اولین قانونگذاری در این مملکت هنوز مجال پرداختن بدان را نداشته، در این موارد هویدا می شود؛ نتیجه آن که، در بحث خسارات غیر بدنی و همین طور خسارت بدنی غیر قتل با خلأ قانونی مواجه هستیم.

حالت دوم: سبب مجمل در بین اسباب محصور

در فقه امامیه، بحث سبب مجمل در بین اسباب محصور، ذیل باب قصاص آمده و فقها فروض زیر را مطرح کرده اند:

نخست - دو نفر شهادت به قاتل بودن الف می دهند و دو نفر دیگر شهادت به قاتل بودن ب بدهند؛ دوم - الف اقرار به قتل شخصی می کند و ب نیز اقرار به قتل همان شخص می کند؛ سوم - الف اقرار به قتل شخصی می کند و دو نفر شهادت به قتل همان شخص توسط ب می دهند؛ چهارم - ادعا می شود که یکی از دو نفر قاتل است ولی ندانیم کدام یک قاتل است (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۱۵/۱۷۶؛ نجفی، ۱۳۶۷: ۳۷/۲۲۳؛ خوئی، ۱۴۲۲: ۱۱۲/۴۲). فقها راه حلّ هایی را هم ارائه کرده اند، صرفنظر از این که در همه موارد یکسان است یا متفاوت، عبارتند از: عدم ضمان و برائت همه اطراف علم اجمالی؛ انتخاب یکی از عوامل با قرعه؛ انتخاب یکی از عوامل توسط اولیای دم؛ تقسیم مسؤولیت به نسبت مساوی بین همه عوامل؛ و پرداخت دیه از بیت المال.^۱ همان طور که ملاحظه می شود، مباحث فقها صرفاً در مورد یک نوع از خسارات بدنی یعنی قتل می باشد و

۱. برای مشاهده استدلال های فقها در فروض فوق ر.ک: صفایی و رحیمی، ص ۳۳۲ تا ۳۳۶.

راجع به سایر انواع خسارات اعمّ از خسارت وارده به عضو یا ضررهای مادی و معنوی بحث نشده است.

در حقوق موضوعه ایران، در قانون مدنی و قانون مسؤولیت مدنی که این مباحث باید در آن قوانین مطرح شود، هیچ حکمی دیده نمی شود. قانون مجازات اسلامی سابق (مصوّب ۱۳۷۰) در ماده ۳۱۵، در صورت علم اجمالی به قاتل بودن یکی از دو نفر و عدم اقامه جهت شرعی بر قاتل بودن یکی از آن دو، راه حلّ قرعه را در مرحله پرداخت دیه پیش بینی کرده بود که این راه حلّ در قانون جدید به کلی کنار گذاشته شده است. از مقررات قانون مجازات اسلامی جدید چنین استنباط می شود که قانونگذار بین فروض زیر تفکیک قائل شده و برای هر کدام راه حلّ جداگانه ای پیش بینی کرده است:

الف- وحدت فعل زیانبار

اگر فعلی که موجب وقوع جنایت شده، واحد باشد ولی مشخص نباشد که این فعل واحد به کدامیک از عوامل محصور منتسب است، قانونگذار در تبصره ماده ۴۷۷ قانون مجازات، بین حالتی که متهمان اقرار کنند یا جنایت با سایر ادله اثبات می شود تفکیک قائل شده و حق انتخاب مجنی علیه یا اولیای دم را مختصّ فرض اقرار متهمان دانسته است. همین نظر در ماده ۴۸۳ قانون مذکور نیز مورد پذیرش قانونگذار قرار گرفته است. در واقع، به نظر قانونگذار، اقرار موضوعیت دارد؛ در حالی که اقرار جزو ادله اثبات دعوا بوده و طریقیّت دارد. از اینرو، این تفکیک ایراد دارد. به علاوه، دادن حق انتخاب به مجنی علیه یا اولیای دم بدون هیچ معیار و ضابطه خاصّ، مغایر با عدالت و انصاف و ترجیح بلامرّجّ است که دلیلی برای آن وجود ندارد و قبح آن زمانی بیشتر مشخص می شود که شخصی که مورد مراجعه قرار گرفته، حق مراجعه به شخص یا اشخاص دیگر را ندارد (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۷: ۳۳۸).

مبنای این تفکیک نیز همان قاعده فقهی ممنوعیت هدر رفتن خون مسلمان است که البته برخی از فقها این قاعده را به دلیل استثنایی بودن تحمیل خسارت به بیت المال، در

این مورد قابل اعمال ندانسته و معتقد به سقوط دیه و قصاص (خمینی، بی تا: ۵۲۶/۲) یا تقسیم خسارت بین همه متهمان هستند (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۱۹۱/۱۵؛ علامه حلی، ۱۴۲۲: ۴۸۳/۵). در موارد فوق - چه در فقه و چه در قانون - همه بحث‌ها در مورد جنایت، قتل و دیه است و از مسؤولیت مدنی فاقد جنبه کیفری بحثی به میان نیامده است.

ب- تعدد فعل زیانبار

اگر هریک از عوامل، فعلی را انجام داده باشد ولی مشخص نباشد که جنایت به وجود آمده به کدام عامل منتسب است، قانونگذار در ماده ۴۷۹ قانون مجازات اسلامی، همه عوامل را به نحو مساوی مسؤول پرداخت دیه می‌داند و این حکم با عدالت و انصاف سازگار است.

۵-۱-۱- فعل زیان دیده

منظور از این فرض، موردی است که فعل زیان دیده از عوامل ایجاد ضرر بوده باشد نه عامل منحصر. در نظام مسؤولیت مبتنی بر تقصیر، فعل زیان دیده باید تقصیر باشد ولی در نظام مسؤولیت محض، کافی است که فعل او از اسباب ورود ضرر به شمار آید (بهرامی، ۱۳۹۳: ۲۶۰). طبق یک قاعده معروف در «حقوق عرفی» که در حقوق روم هم وجود داشته و معروف به «خطای اشتراکی» است، زیان دیده ای که در ورود ضرر به خودش مقصر شناخته شود، حق مطالبه خسارت ندارد. ایراد این نظریه آن است که هیچ دلیل قانع کننده ای وجود ندارد تا تقصیر زیان دیده، موجب معافیت سایر عوامل از مسؤولیت شود. به همین جهت، امروزه قاعده خطای اشتراکی فقط در جایی اعمال می‌شود که زیان دیده در ورود ضرر به خود عمد داشته باشد که در این صورت فقط خود زیان دیده مسؤول خواهد بود و گرنه، مسؤولیت بین زیان دیده و سایر عوامل تقسیم می‌شود. به عبارت ساده تر، عمد زیان دیده، رابطه سببیت بین ضرر وارده و فعل شخص خوانده را قطع می‌کند هرچند که فعل خوانده غیر قانونی باشد^۱ (کاتوزیان، ۱۳۹۱:

۱. برای ملاحظه مصادیق و مثال‌ها ر.ک: کاتوزیان، ضمان قهری، ش ۲۴۰.

(۵۰۸)؛ همین نظر در ماده ۳۳۱ قانون مجازات اسلامی سابق و ماده ۵۱۲ قانون مجازات اسلامی جدید پذیرفته شده است. البته پذیرش مطلق معافیت خواننده در صورت عمد زیان دیده، در همه موارد صحیح به نظر نمی رسد و آن جایی است که خواننده نیز همچون خود زیان دیده عمد داشته باشد و رضایت زیان دیده به فعل خواننده مورد تأیید قانونگذار نباشد. در اینجا برخی از حقوقدانان قائل به تقسیم مسئولیت هستند (کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۵۰۹) ولی ماده ۳۳۱ و ۵۱۲ فوق الذکر، مباشر را مسؤول دانسته و صرفاً در صورت اقوی بودن سبب برای او مسئولیت قائل است. به این نکته هم باید توجه داشت که صرف آگاهی از خطر، عمد در اضرار به خود محسوب نمی شود.

قاعده «خطای اشتراکی» به «قاعده اقدام»^۱ در فقه اسلامی نزدیک است که به موجب آن هر کس به ضرر خود اقدامی نماید، خود او مسؤول خواهد بود نه شخص دیگری؛ با وجود این شباهت، باید گفت که قاعده اقدام در موردی اعمال می شود که فعل زیان دیده، سبب اصلی یا سبب اقوی از اقدام مباشر تلف باشد و رابطه سببیت بین زیان وارده و فعل شخص دیگر قطع شده باشد (بهرامی، ۱۳۹۳: ۲۶۱؛ کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۵۰۳).

حال سؤال این است که مسئولیت چگونه بین زیان دیده و سایر عوامل تقسیم می شود؟ با توجه به اینکه در حقوق ایران مسئولیت تضامنی فقط در موارد استثنایی پذیرفته شده، در غیر موارد مستثنی شده، باید قائل به مسئولیت نسبی شد. در خصوص مسئولیت نسبی نیز در قوانین پراکنده راه حل های مختلفی پذیرفته شده است. در ماده ۱۶۵ قانون دریایی مصوّب ۱۳۴۳، نظریه تقسیم مسئولیت به نسبت اهمیت تقصیر و در صورت عدم امکان تشخیص اهمیت تقصیر، نظریه تقسیم مسئولیت به نسبت مساوی پذیرفته شده که خالی از ایراد نیست. چون مسئولیت مدنی، مجازات تقصیر نیست بلکه هدف از آن جبران خسارت وارده به زیان دیده است و امکان دارد از تقصیر کوچک ضرر هنگفتی ایجاد شود یا بر عکس آن. از اینرو، این نظر را باید ویژه خسارات دریایی دانست.

۱. من أقدم علی شیء فهو له ضامن.

قانونگذار در ماده ۱۴ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹، نظریه تقسیم مسئولیت بر اساس نحوه مداخله یا همان نظریه تقسیم مسئولیت به نسبت تأثیر رفتار در ورود ضرر و در مواد ۵۲۷، ۵۲۸ و ۵۲۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، همانند مواد ۳۶۵ و ۳۳۶ قانون مجازات اسلامی سابق مصوب ۱۳۷۰، با تغییرات و تفاوت هایی در متن مواد نظریه تساوی مسئولیت را پذیرفته است.

در جمع بندی مواد فوق می توان گفت که در حقوق ایران، نظریه تقسیم مسئولیت به نسبت مساوی به عنوان اصل پذیرفته شده است و فایده این راه حل آن است که کار دادگاه را راحت کرده است. دادگاه نظریه تساوی را ملاک و مبنای رأی خود قرار می دهد ولی اثبات خلاف آن را بر دوش مدعی می گذارد. از ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی نیز همین نظر قابل برداشت است. بنابراین، برخلاف آن چه برخی از حقوقدانان (بهرامی، ۱۳۹۳: ۲۷۱) معتقدند نمی توان قائل به نسخ ماده ۱۴ قانون مسئولیت مدنی شد و اثبات خلاف تساوی مسئولیت را نپذیرفت. در عمل هم دادگاه ها با استفاده از نظریه کارشناس به نحوه مداخله و تأثیر رفتار مرتکب توجه می کنند.

۲-۱- اصول حقوق مسئولیت مدنی اروپا

با نگاهی به نظام های مختلف حقوقی در اروپا می توان یک معیار اصولی و مشترک را در ارتباط با شناخت سبب ورود خسارت به دست آورد و این معیار چیزی جز قاعده «شرط ضروری» نیست (Bénédict et al., 2010: 99)؛ این قاعده در ماده ۳-۱۰۱ اصول حقوق مسئولیت مدنی اروپا نیز پیش بینی شده است. به موجب این ماده: «هر فعل یا رفتار در صورتی سبب خسارت زیان دیده است که در صورت فقدان آن فعل، خسارت مزبور به وقوع نمی پیوست». قبول معیار شرط ضروری در ماده ۳-۱۰۱ به گونه ای می تواند بیانگر نظریه سبب متعارف و اصلی در حقوق ما باشد.

اصول حقوق مسئولیت مدنی اروپا، برخلاف حقوق ایران به صورت منسجم حالات مختلف تعدّد عوامل و مسئولیت آنها را در فصل سوّم ذیل دو بخش آورده است که در ادامه به طور جداگانه مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۱-۲-۱- اسباب همزمان

مطابق ماده ۳-۱۰۲ این اصول «در مورد فعل های متعدّد، چنان چه هر یک از آنها به تنهایی در همان زمان، سبب ورود خسارت بوده باشد هر کدام از آن فعل ها سبب خسارت وارده به زیان دیده تلقی می شود» (اندرز، ۱۳۹۴: ۱۱۱). ملاک زمان تأثیر، فعل فاعل است نه زمان حدوث آن. طبق این ماده، هر فعلی حتّی در صورت عدم وجود سبب دیگر می تواند به تنهایی به عنوان سبب خسارت در نظر گرفته شده و مسئولیت کاملی بر او تحمیل شود و هیچ فعل زیانباری نمی تواند با استناد به وجود فعل های زیانبار دیگر از مسئولیت معاف شود (European Group on Tort Law, 2005: 45). بین ماده ۳-۱۰۲ و بند یک ماده ۹-۱۰۱ تا حدّی همپوشانی وجود دارد هرچند که قلمرو ماده اخیر موسّع تر است. بر اساس ماده اخیرالذکر، هر یک از عوامل خسارت در مقابل زیان دیده، متضامناً مسؤول جبران خسارت است و متضرّر می تواند به هر کدام از اسباب که بخواهد رجوع کند و کلّ خسارت را از او مطالبه کند (Bénédict et al., 2010: 475).

۱-۲-۲- اسباب جایگزین

مطابق بند نخست ماده ۳-۱۰۳ این اصول اگر «شرط ضروری» بین زیان وارده و فعل زیانبار وجود داشته باشد اما مشخص نباشد که کدام سبب مسؤول است. در اینجا هیچ دلیل قانع کننده ای برای توجیه تحمیل کلّ ضرر به عاملی که احتمالاً موجب آن نشده وجود ندارد. از طرف دیگر، رها کردن زیان دیده بدون جبران ضرر وارده به او نیز دشوار است. از اینرو، گروه اروپایی تدوین کننده اصول حقوق مسئولیت مدنی اروپا در مواد ۳-۱۰۳ الی ۳-۱۰۶، «مسئولیت مشترک یا نسبی» را برای این

اسباب پذیرفته است. منظور از مسؤولیت نسبی، مسؤولیتی است که بدون توجه به این که یک فاعل فعل زیانبار، بالقوه واقعاً سبب خسارت بوده یا نه و یا این که در فرض اثبات به چه میزان سبب ورود خسارت بوده، به میزان سهم فعل خویش مسؤول خواهد بود (European Group on Tort Law, 2005: 48).

مطابق بند دوم همان ماده نیز در فرضی که رابطه سببیت بین ضرر وارده به زیان دیدگان متعدد و عوامل متعدد بالقوه وجود داشته ولی امکان نداشته باشد که کلیه ضررهای وارده به همه زیان دیدگان توسط یکی از عوامل وارد شده باشد، مسؤولیت نسبی را پذیرفته اند (European Group on Tort Law, 2005: 49).

۳-۲-۱- اسباب بالقوه

مطابق بند نخست ماده ۳-۱۰۴ این اصول، چنان چه دو فعل به صورت متوالی اتفاق بیفتد به گونه ای که هر کدام از آنها به تنهایی برای ورود خسارت و ایجاد رابطه سببیت کافی باشد و اگر حادثه نخست رخ ندهد، همان نتیجه زیانبار از حادثه دوم حاصل می شود، در این حالت، از آنجا که عامل نخست به طور قطعی و تغییر ناپذیر باعث ورود خسارت شده است، مسؤولیتی متوجه عامل دوم نخواهد بود. در واقع، وقتی فعلی موجب افزایش خسارت نمی شود، شرط ضروری نیز محسوب نشده و مسؤولیتی هم متوجه عامل بعدی نخواهد شد (European Group on Tort Law, 2005: 51) به عبارت دیگر، در این فرض نظریه سبب مقدم در تاثیر پذیرفته شده است.

در بند دوم این ماده که ناظر به حالت تشدید یا افزایش خسارت می باشد، رابطه سببیت و شرط ضروری بین عاملی که باعث تشدید یا افزایش خسارت گردیده و خسارتی که وارد شده، محرز است. پس می توان گفت در این فرض سهم هر کدام از عوامل متعدد در ورود زیان به طور جداگانه مشخص است و به همان نسبت مسؤول خواهد بود.

مطابق بند سوم همان ماده نیز گروه اروپایی راه حلّ مشابهی را در خصوص خسارت مستمرّ پذیرفته، هرچند که عوامل موخّر صرفاً بابت خسارتی که بعد از فعل آنها رخ می دهد مسؤول هستند. خسارت مستمرّ از قبیل عدم النفع یا از دست دادن درآمد، صدمه وارده در اثر سر و صدای مداوم، به مرور زمان اتفاق می افتد و باید بین آن و خسارت قطعی و تغییرناپذیر مذکور در بند نخست مانند خسارت وارده به ارزش مال تفکیک قائل شد. اگر از این منظر نگاه کنیم هر عامل از لحظه ای که رفتارش لطمه ای به منفعت مورد حمایت می زند، سبب ورود خسارت است. پیش فرض این بند آن است که هر فعلی، در صورت نادیده گرفتن فعل یا فعل های دیگر، سبب ورود خسارت می شد. این نظر با استدلالی که در مورد اسباب همزمان در ذیل ماده ۳-۱۰۲ به عمل آوردیم نیز مطابقت دارد. اگر یکی از عوامل تمام ضرر وارده را پرداخت کرده باشد، طبق ماده ۹-۱۰۲ می تواند به بقیه عوامل مراجعه کند (European Group on Tort Law, 2005: 52-54). در اینجا باید به دو نکته

توجه شود:

نکته اول: رابطه سببیت جزئی نامشخص

مطابق ماده ۳-۱۰۵ این اصول «در مورد فعل های متعدّد، هرگاه مشخصّ باشد که هیچ یک از آنها سبب وقوع تمام یا قسمت قابل مشخصّ خسارت نشده است، فرض می شود فعل هایی که احتمال دارد (به صورت حدّاقلی) در وقوع خسارت نقش داشته باشند، به طور مساوی موجب خسارت شده اند» (اندرز، ۱۳۹۴: ۱۱۲).

به نظر برخی از تدوین کنندگان اصول حقوق مسؤولیت مدنی اروپا، این ماده صرفاً در مواردی اعمال می شود که سهم همه عاملان، به طور همزمان کوچک و نامشخصّ باشد. اما اکثر تدوین کنندگان اصول حقوق مسؤولیت مدنی اروپا، این نظر را قبول ندارند و معتقدند که این ماده در موارد نیز اعمال می شود: مثلاً ۱۰۰ نفر از یک محصول دارویی معیوب را به بازار عرضه نمایند؛ سهم اشخاص ۱، ۲ و ۳ از بازار کم و بیش

مشخص است یعنی سهم هر کدام به ترتیب ۲۵٪، ۱۵٪ و ۱۰٪ می باشد. ۵۰٪ بقیه سهم بازار بین اشخاص ۴ تا ۱۰۰ تقسیم می شود؛ در اینجا در زمان وقوع ضرر، تخمین سهم جداگانه هر کدام غیرممکن است و فقط می دانیم که آنها تولیدکنندگان نسبتاً کوچکی بودند؛ در چنین موردی سهم اشخاص ۴ تا ۱۰۰ به طور مساوی فرض خواهد شد (European Group on Tort Law, 2005: 55).

به این نکته هم باید توجه کرد که اگر سهم عوامل گوناگون به هیچ عنوان قابل تعیین نباشد و احتمال مساوی نبودن سهم آنها وجود داشته باشد، نه در ماده ۳-۱۰۵ و نه در هیچ یک از مواد دیگر فصل سوم حکمی وجود ندارد. گروه حقوق اروپایی در این خصوص معتقدند که موضوع را باید از طریق قانون آیین دادرسی حل کرد (European Group on Tort Law, 2005: 57).

نکته دوم: اسباب نامشخص در قلمرو زیان دیده

مطابق ماده ۳-۱۰۶ این اصول «زیان دیده باید زیان وارده به خود را به میزان احتمالی که آن زیان می توانسته از فعل، حادثه یا سایر اوضاع و احوال در قلمرو خود او ناشی شود، تحمّل نماید» (اندرز، ۱۳۹۴: ۱۱۲). این ماده راجع به ضرری است که توسط یک یا چند شخص ثالث به وجود آمده یا آن که در قلمرو خود زیان دیده باشد. در چنین موردی تا حدّی که ضرر مربوط به زیان دیده باشد، خود او مسؤول است به شرط آن که رابطه سببیت بین ضرر و فعل زیان دیده وجود داشته باشد. مطابق بند ۳ ماده ۸-۱۰۱ اگر ضرر، به کمک کننده زیان دیده نیز قابل انتساب باشد، در قلمرو زیان دیده تلقّی می شود؛ اما برخلاف این ماده، حوادث طبیعی مانند زلزله، طوفان، سکه قلبی یا سایر امراض که ربطی به اقدامات اشخاص ثالث ندارند، ممکن است واجد این خصوصیت باشند. اگر یکی از این اقدامات، وقایع (از جمله حوادث طبیعی) یا اوضاع و احوال احتمالاً در وقوع ضرر نقش داشته باشد، زیان دیده باید ضرر وارده به خود را در حدودی که در قلمرو او بوده تحمّل نماید. این ماده بین اسبابی که

یک شخص بابت آن مسؤول آن است و «اسبابی که در قلمرو زیان دیده است» تمایز قائل نیست، به ویژه اسبابی که هیچ کس را بابت آن نمی توان مسؤول دانست و طبق این اصول یا قواعد قابل اعمال دیگر در قلمرو شخص دیگری نیست.

ماده ۳-۱۰۶ همان طور که از اسباب بالقوه در حیطه زیان دیده بحث می کند، تا حدودی بر مفهوم «از دست دادن شانس» نیز مبتنی است، چون اصول حقوق مسئولیت مدنی اروپا تا حدی بر مسئولیت نسبی مبتنی است هر چند که از نظر گروه اروپایی راه حلّ ایده آلی نیست؛ البته هر احتمالی را هم در رابطه سببیت نمی توان لحاظ کرد (European Group on Tort Law, 2005: 57)

در خصوص اعمال ماده ۳-۱۰۶ در مواردی که سهم احتمالی، خیلی کوچک (نزدیک صفر) و یا خیلی بالاست (نزدیک ۱۰۰٪) جای بحث وجود دارد. به عنوان مثال، اگر احتمال مریض شدن در اثر علت طبیعی ۹۸٪ باشد، دادگاه می تواند احتمال کوچکی را که ممکن است در اثر قصور پزشکی باشد نادیده بگیرد و اگر احتمال بیماری در اثر علت طبیعی فرضاً ۲٪ باشد، پزشک ممکن است به طور کامل مسؤول باشد (European Group on Tort Law, 2005: 59).

۲- نحوه تقسیم مسئولیت در صورت تعدّد عوامل

نحوه تقسیم مسئولیت در فرض تعدّد عوامل را ابتدا در حقوق ایران و سپس در اصول حقوق مسئولیت مدنی اروپا به طور جداگانه مورد بررسی قرار می دهیم:

۲-۱- حقوق ایران

در اینجا دو حالت مطرح می شود: یکی رابطه میان عوامل متعدّد و زیان دیده؛ و دیگری رابطه میان خود عوامل متعدّد.

۲-۱-۱- تقسیم مسئولیت میان عوامل متعدّد و زیان دیده

مسئولیت عوامل در مقابل زیان دیده یا تضامنی است یا اشتراکی. در مسئولیت اشتراکی هر کدام از عوامل به نسبت درجه تأثیر در وقوع حادثه زیانبار یا به نسبت

میزان تقصیر و یا به طور تساوی، باید از عهده خسارت وارده به زیان دیده برآیند؛ در حالی که در مسؤولیت تضامنی هرکدام از عوامل در مقابل زیان دیده مسؤول جبران کل خسارت وارده هستند (عبدی ینگجه، ۱۳۸۹: ۱۲۲). در مسؤولیت تضامنی، رابطه میان زیان دیده و عوامل از رابطه میان خود عوامل تفکیک شده و مسؤولیت اشتراکی محدود به رابطه میان خود عوامل می باشد؛ در حالی که در مسؤولیت اشتراکی، مسؤولیت صرفاً و مستقیماً میان عوامل و زیان دیده بوده و مسؤولیت بین خود عوامل منتفی است و اگر عامل قسمتی از خسارت وارده به متضرر را جبران نماید، دلیلی برای مراجعه او به سایر عوامل وجود ندارد. چون او بر حسب مورد به نسبت تقصیر یا به نسبت مداخله یا به هر نسبت دیگر که از عهده زیان وارده به متضرر برآمده، تاوان عمل خود را داده نه دیگران را؛ از اینرو، نمی تواند پس از پرداخت خسارت به زیان دیده، برای گرفتن قسمتی از آن به سایر عوامل مراجعه کند. در حقوق ایران متن قانونی که صراحتاً به مسؤولیت اشتراکی عوامل متعدد در مقابل زیان دیده اشاره دارد، ماده ۱۴۲ لایحه قانونی^۱ اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ در مورد مسؤولیت مدیران شرکت های سهامی است. در اینجا مسؤولیت اشتراکی دقیقاً در نقطه مقابل مسؤولیت تضامنی به کار رفته است، چون قانونگذار در ماده ۱۴۳ قانون مزبور، مسؤولیت کسانی را که اقداماتشان سبب ورشکستگی شرکت شده، در مقابل زیان دیدگان از نوع تضامنی دانسته است. به غیر از ماده مزبور متن قانونی دیگری که صریح در این معنا باشد، در حقوق ما دیده نمی شود. البته متون قانونی که حاکی از تقسیم مسؤولیت بین اسباب زیان باشد در قوانین ما فراوان است ولی به نظر می رسد که این مواد قانونی بیشتر ناظر به روابط بین عوامل و زیان دیده

۱. استفاده از عبارت لایحه قانونی در عنوان قانون فوق دقیق نیست، چون پس از تصویب لایحه در مجلس،

عنوان قانون بدان اطلاق می شود.

است و نشان دهنده پذیرش نظریه تقسیم مسئولیت اشتراکی بین عوامل متعدّد در حقوق ایران است (عبدی ینگجه، ۱۳۸۹: ۱۲۲).

در حقوق کشورمان، برخی از حقوقدانان معتقدند که هرگاه چند سبب مسؤول حادثه زیانبار شناخته شدند، باید همه آنان را متضامناً مسؤول جبران خسارت زیان دیده دانست. بدین معنا که زیان دیده می تواند به هر کدام از اسباب مذکور که خواست مراجعه نماید تا کلّ زیان خود را مطالبه نماید یا این که فقط میزان معینی از خسارت را از او مطالبه کند (امامی، ۱۳۸۳: ۳۴۵؛ کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۴۸۸؛ مؤمنی، ۱۳۹۵: ۲۷۰). در مواد ۳۱۷ و ۳۲۳ قانون مدنی نیز در خصوص مسئولیت غاصب، مسئولیت تضامنی پیش بینی شده است؛ همین طور، در ماده ۱۴ قانون مسئولیت مدنی و بند ج ماده ۱۶۵ قانون دریایی مسئولیت تضامنی پذیرفته شده است.

اگرچه از مواد مذکور چنین برمی آید که در حقوق ما مسئولیت تضامنی سابقه دارد، ولی نمی توان از آنها یک قاعده عام و کلی را استنباط کرد؛ بلکه برعکس می توان گفت که مسئولیت تضامنی به صورت خاصّ و استثنایی مطرح است. زیرا در حقوق اسلامی هر کس تنها پاسخگوی اعمال خویش است و اصل بر شخصی بودن مسئولیت است و آیه «و لا تزر وازره وزر آخری» همین نظر را تأیید می کند؛ بنابراین، تضامنی بودن مسئولیت خلاف اصل است و از احصاء و استقراء در قوانین خاصّ نمی توان حکم به مسئولیت تضامنی به عنوان قاعده در حقوق ایران داد. نصّ ماده ۴۰۳ قانون تجارت، هرگونه ابهام را در این خصوص بر طرف می کند. در این ماده، قانونگذار اصل پذیرفته شده در ماده ۶۹۸ قانون مدنی مبنی بر نقل ذمه را مجدداً مورد تأکید قرار داده است (دمیرچیلی و دیگران، ۱۳۸۴: ۷۳۳).

۲-۱-۲- تقسیم مسئولیت بین عوامل متعدّد

در صورت پذیرش هر کدام از دو نظریه مسئولیت اشتراکی یا تضامنی، بحث تقسیم مسئولیت نیز مطرح است. با این تفاوت که در مسئولیت تضامنی چون زیان

دیده می تواند مستقیماً به هر کدام از عوامل برای مطالبه کل خسارت وارده رجوع کند، برای پرداخت کننده نیز باید این حق را قائل بود که بتواند نسبت به سهمی که در واقع مسؤول نبوده ولی پرداخت کرده است، به مسؤولان حقیقی آن رجوع کند. در مسؤولیت تضامنی، تقسیم مسؤولیت بین خود عوامل در مرحله و رابطه مستقلى بررسی می شود؛ در حالی که در مسؤولیت اشتراکی، بحث تقسیم مسؤولیت در مرحله و رابطه مستقلى جدای از رابطه بین عوامل و زیان دیده بررسی نمی شود؛ چراکه با همان تقسیم اولیه مسؤولیت عوامل در مقابل زیان دیده، تکلیف مسؤولیت آنها در رابطه میان خودشان نیز مشخص می شود. حال به بررسی نحوه تقسیم مسؤولیت میان عوامل متعدد، در دکترین حقوقی و قوانین موضوعه ایران می پردازیم:

الف: تقسیم مسؤولیت به نسبت درجه تأثیر

گروهی بر این عقیده اند که در روابط بین عوامل زیان باید مسؤولیت را بر حسب درجه تأثیر هر کدام از آنها در وقوع زیان تقسیم کرد (امامی، ۱۳۸۳: ۳۵۹؛ قاسم زاده، ۱۳۸۶: ۱۰۶؛ کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۴۸۹). مطابق این نظریه، هرگاه چند سبب به گونه ای در وقوع زیان نقش داشته باشند که هر کدام از آنها بر حسب جریان متعارف امور، عادتاً نتیجه زیانبار را به دنبال داشته باشند، تقسیم مسؤولیت بین آنها بر حسب میزان تأثیر و مداخله هر کدام در خسارت ایجاد شده، انجام می شود. این شیوه تقسیم، در میان فقها نیز طرفدارانی دارد و برخی از آنها به احتمال تقسیم مسؤولیت به نسبت درجه مداخله اسباب نظر داده اند (نجفی، بی تا: ۹۹/۳۷) و در برخی از مواد قانونی نیز این نظریه پذیرفته شده است از جمله ماده ۳۲۰ ق.م.م، ماده ۱۴ ق.م.م، مواد ۵۲۶، ۵۳۵ و مفهوم مخالف ماده ۵۲۷ ق.م.ا.

ب: تقسیم مسؤولیت به نسبت درجه تقصیر

در حقوق ایران متن قانونی که صراحتاً تقسیم مسؤولیت به نسبت درجه تقصیر عوامل را پیش بینی کرده، ماده ۱۶۵ قانون دریایی می باشد. این نظر در حقوق ایران

چندان قابل دفاع به نظر نمی رسد، چراکه ماده مذکور ویژه خسارات دریایی است نه یک قاعده عام (قاسم زاده، ۱۳۸۶: ۱۰۸) ضمن آن که هدف مسؤولیت مدنی، مجازات فاعل فعل زیانبار نیست تا شدّت و ضعف حالت روانی وارد کننده زیان در تقسیم ضرر نقش داشته باشد بلکه هر کس باید به میزان ضرری که وارد کرده مسؤول شناخته شود نه میزان تقصیرش (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۷: ۳۲۹)؛ البتّه امروزه با تصویب ماده ۵۲۸ قانون مجازات اسلامی می توان گفت که ماده ۱۶۵ قانون دریایی به طور ضمنی نسخ شده است. با توجّه به تصریح به وسیله نقلیه آبی در این ماده دیگر استناد به ماده ۱۶۵ قانون دریایی توجیهی ندارد و باید معیار تقسیم به نسبت مساوی را به عنوان اصل و در صورت اثبات تأثیر عمل، معیار تقسیم براساس تأثیر فعل و تقصیر را پذیرفت (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۷: ۳۲۹).

ج: تقسیم مسؤولیت به نسبت تساوی

به موجب این نظریه، هرگاه چند نفر مشترکاً سبب ورود خسارت به دیگری شوند، همه آنها به طور مساوی باید از عهده جبران خسارت زیان دیده برآیند هرچند که تأثیر برخی از اسباب بیشتر از دیگری باشد مگر آن که تأثیر برخی از اسباب آنقدر اندک و کم اهمیت باشد که ضرر عرفاً مستند به سبب دیگر باشد. در فقه اسلامی ظاهراً نظر مشهور فقها به تقسیم مسؤولیت به تساوی می باشد. (محقق حلی، ۱۴۰۸: ۲۵۰/۴-۲۵۵؛ نجفی، بی تا: ۱۱۰/۳۷).

در حقوق ایران در مواد ۵۲۸ و ۵۳۳ قانون مجازات اسلامی نظریه تقسیم مسؤولیت به طور مساوی پذیرفته شده است. به نظر می رسد به رغم اطلاق قانون مجازات اسلامی مصوّب ۱۳۹۲، مسؤولیت در صورتی به نحو تساوی تقسیم می شود که میزان تأثیر هریک از اسباب مشخص نباشد و گرنه در صورت مشخص بودن تأثیر و سهم هر یک از اسباب باید مسؤولیت را بر اساس آن تقسیم نمود (باریکلو و برزگر، ۱۳۹۸: ۲۷۲). برخی از حقوقدانان نیز در این خصوص بر این باورند که چون تقسیم خسارت

با هیچ مبنایی با دقت امکان ندارد، تساوی خسارت معقول هست. ولی از طرف دیگر، شناخت اختیار دادرس در ارزیابی درجه دخالت و شدت و ضعف به عدالت نزدیک تر است و رویه قضایی باید یکی از آن دو را انتخاب کند و پیش بینی می شود که به نیمه کردن خسارت تمایل بیشتری پیدا کند (کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۵۲۰)؛ در فرض تعدد عوامل به صورت اجتماع مباشرین نیز در حقوق ایران همین نظر قابل دفاع است.

۲-۲- اصول حقوق مسؤولیت مدنی اروپا

در اصول حقوق مسؤولیت مدنی اروپا نیز مانند حقوق ایران رابطه بین عوامل متعدّد و زیان دیده و رابطه بین خود عوامل را جداگانه بررسی می کنیم:

۲-۲-۱- رابطه بین عوامل متعدّد و زیان دیده

مطابق بند نخست ماده ۹-۱۰۱ این اصول، در سه حالت زیر مسؤولیت عوامل متعدّد تضامنی است:

حالت اول موردی است که شخصی با اطلاع و به صورت عالمانه و عامدانه در خطای دیگران که علت ورود ضرر به زیان دیده است، مشارکت می نماید یا به صورت معاون به تحریک یا تشویق آنها می پردازد که در این صورت همه آنها به صورت تضامنی مسؤولند؛ بنابراین، اگر شخصی از هدف وارد کننده زیان آگاه نباشد، نمی توان مطابق این بند او را مسؤول دانست (European Group on Tort Law, 2005: 143).

حالت دوم به موردی اشاره می کند که چند عامل موجب ورود خسارت شده است اما فعل هر کدام به گونه ای است که اگر به تنهایی نیز انجام می شد می توانست موجب بروز خسارت شود؛ به عبارت دیگر، هر کدام از عوامل بدون عوامل دیگر هم برای ایراد خسارت کفایت می کرد. در این حالت نیز حکم به مسؤولیت تضامنی همه عوامل داده می شود. در واقع، افعال مستقل اشخاص موجب زیان غیر قابل تجزیه می شود (European Group on Tort Law, 2005: 143).

حالت سوّم نیز موردی را بیان می کند که بر اساس قانون داخلی مربوطه، کمک کننده ای که در چارچوب اختیارش اقدام می کند، در کنار (مثلاً) کارفرمایش مسؤول باشد. این بند با مقرّرات مذکور در مواد ۱۰۱-۱ و ۱۰۲-۶ نیز هماهنگ است. مطابق قسمت ج از بند دوّم ماده ۱۰۱-۱ از جمله اشخاصی که خسارت وارده قابل انتساب به آنها می باشد، شخصی است که «کمک کننده او در چارچوب وظایفش موجب خسارت شده است» و ماده ۱۰۲-۶ نیز مقررّ می دارد: «۱- یک شخص بابت خسارت وارده توسط کمک کننده هایش که در حدود وظایف خودشان عمل می کنند، مسؤول جبران خسارت است، مشروط بر این که آنها معیار لازم برای رفتار را نقض کرده باشند؛ ۲- از نظر این ماده، پیمانکار مستقلّ، کمک کننده محسوب نمی شود» (اندرز، ۱۳۹۴: ۱۱۷). بر اساس مواد مذکور، زمانی که کارگران موجب خسارت می شوند، کارفرمایان مسؤول ضررهایی هستند که کارگران به مناسبت شغلشان وارد می کنند. مطابق قسمت ج از بند اوّل ماده ۹-۱۰۱ زمانی که کارگر نیز مسؤولیت دارد، این مسؤولیت تضامنی است و زیان دیده می تواند به هر کدام از کارفرما یا کارگر، بابت تمام یا بخشی از خسارت وارده مراجعه کند.

بند دوّم از ماده ۹-۱۰۱ مفهوم مسؤولیت تضامنی را بیان کرده که به موجب آن زیان دیده می تواند کلّ خسارت وارده به خود را از هر کدام از عوامل متعدّد مطالبه کند، البته او حق ندارد بیشتر از میزان کل خسارتی را که به او وارد شده مطالبه کند؛ به عبارت دیگر، زیان دیده هر میزان از طلب خود را که از هر عاملی دریافت کند، به همان میزان از طلب او در مراجعه به دیگر عوامل کسر می گردد.

بند سوّم از ماده ۹-۱۰۱ نیز به مسؤولیت مستقل عوامل متعدّد اشاره دارد که مطابق این بند در مواردی که بخشی از خسارت وارده قابل انتساب به هر یک از عوامل متعدّد نباشد، باید حکم به مسؤولیت تضامنی داد و آنها را مشمول مورد ب از بند اول همین ماده دانست و اگر هر کدام از عوامل متعدّد ادّعا نماید که مسؤول کل خسارت

وارد نمی باشد باید این امر را اثبات کند که در این صورت، هر شخص در برابر زیان دیده تنها مسؤول آن بخش از خسارت خواهد بود که به او قابل انتساب است.

۲-۲-۲- رابطه بین خود عوامل متعدد

مطابق بند یک ماده ۹-۱۰۲ این اصول، شخصی که به جهت داشتن مسؤولیت تضامنی در برابر زیان دیده، خسارات وارده به او را می پردازد، حق دارد بابت مقداری که مسؤول نبوده و در واقع سهم دیگران بوده، به آنها مراجعه کرده و آن را وصول نماید؛ حال اگر در مورد تقسیم خسارت، بین خود عوامل قراردادی وجود داشته باشد، با رعایت مقررات راجع به شروط قراردادی ناعادلانه، این قرارداد حاکم خواهد بود. همچنین این بند اجازه داده که یک سیستم حقوقی خاص بتواند از طریق جانشینی یا دارا شدن ناعادلانه به برخی از این موارد پردازد (European Group on Tort Law, 2005: 145).

مطابق بند دوم همین ماده، اختیار نسبتاً وسیعی برای تقسیم مسؤولیت بر مبنای «مسؤولیت نسبی» به دادگاه داده شده است. این بند شباهت آشکاری با بند ۱ ماده ۸-۱۰۱ در مورد تقلیل خسارت به واسطه رفتار زیان دیده دارد. تقصیر عامل، به ویژه در موردی که همه مسؤولیت ها مبتنی بر تقصیر بوده، مهم است اما نباید آن را تنها عامل تعیین کننده بدانیم. برای مثال، اگر خواننده ای بر مبنای نظریه خطر مسؤولیت مطلق داشته باشد و خواننده دیگر بر مبنای تقصیر مسؤول باشد، نمی توان گفت که خود به خود و در همه موارد اولی جبران کامل خسارت را از دومی مطالبه کند. حتی گفته شده است که اگر خواننده ای عمداً ضرری را وارد کرده باشد، تقسیم مسؤولیت را نباید صد در صد غیرمحمتم دانست با این که احتمال مسؤول بودن او بالاست و یا اقدام او را می توان خلاف نظم عمومی دانست (European Group on Tort Law, 2005: 145)؛ به همین جهت، در تعیین مسؤولیت نسبی، باید به درجه تقصیر هر کدام از عوامل و نیز هر موضوع دیگری که جهت احراز یا تقلیل مسؤولیت آنها عادلانه تلقی

می شود، توجّه نمود. در این راستا، ممکن است سهم یک شخص در جبران معادل کلّ میزان خسارت وارده به زیان دیده باشد و بالاخره این که اگر تعیین مسئولیت نسبی هر یک از عوامل متعدّد امکان پذیر نباشد، باید حکم به تقسیم مسئولیت بین آنها به نحو مساوی داد و برای همه سهم برابر در جبران خسارت در نظر گرفت. بند سوم راجع به مسئولیت کارفرما یا رئیس در قبال اقدامات کمک کننده است که مطابق آن کارفرما یا رئیس در مقابل زیان دیده بابت اقدامات کمک کننده مسؤول است.

بند چهارم هم یک قاعده مبنایی را پیش بینی کرده که بر اساس آن، در میان خود عوامل، مسئولیت نسبی است.

نتیجه گیری

در حقوق ایران تعدّد طولی مباشرین مصداق خارجی ندارد و از حالات مختلف تعدّد عوامل به شمار نمی آید. در رابطه با تعدّد عرضی مباشرین نیز تقسیم مسئولیت به صورت مساوی است. در تعدّد طولی اسباب برای تعیین مسؤول ضرر اتفاق نظر وجود ندارد اما نظری را که قانون مجازات اسلامی پذیرفته مسئولیت سبب مقدم در تأثیر می باشد که بهتر است در این رابطه قائل به تفکیک شد و در صورتی که ضرر به یکی از اسباب که اقوی است منتسب باشد، همان را مسؤول دانسته که می تواند سبب مقدم در تأثیر باشد و در صورتی که ضرر منتسب به همه باشد خسارت را بر مبنای عرف به نسبت درجه تأثیر هریک تقسیم کنیم و در غیر این صورت به تساوی مسئولیت حکم دهیم. در تعدّد سبب و مباشر ماده ۵۲۶ قانون مجازات مقررات قانون مدنی را تخصیص زده است. در اسباب مجمل، اگر سبب بین اسباب غیر محصور باشد، در بحث قتل، پرداخت دیه از بیت المال پیش بینی شده و در غیر آن حکمی پیش بینی نشده است و اگر سبب بین اسباب محصور باشد، قانونگذار در بحث جنایت بین موردی که فعل زیانبار واحد یا متعدّد باشد تفاوت قائل شده است. اگر فعل زیانبار واحد باشد،

باز بین جنایتی (اعم از عمدی و غیر عمدی و قتل و غیر قتل) که با اقرار ثابت شود یا ادله دیگر، تفاوت گذاشته و در صورت اثبات جنایت با اقرار، مجنی علیه را در مراجعه به هر کدام از اسباب مختار دانسته و در واقع برای اقرار موضوعیت قائل شده است؛ اما اگر فعل زیانبار متعدّد باشد، دیه نفس یا صدمات به طور مساوی بین اسباب تقسیم می شود. در مورد دخالت فعل زیان دیده به عنوان یکی از اسباب در قوانین موضوعه حکم مستقلی پیش بینی نشده ولی در اینجا هم باید قائل به تساوی مسؤولیت بود مگر آن که میزان دخالت اسباب مشخص باشد.

در اصول حقوق مسؤولیت اروپا، «شرط ضروری» به عنوان معیار شناسایی مسؤول یا مسؤولان حادثه مورد پذیرش قرار گرفته است. در اسباب همزمان، مسؤولیت تضامنی اسباب در برابر زیان دیده پذیرفته شده؛ در اسباب جایگزین، دو حالت پیش بینی شده که در هر دو مسؤولیت نسبی مورد پذیرش قرار گرفته؛ در اسباب بالقوه، نظریه سبب مقدم در تاثیر پذیرفته شده مگر آن که سبب مؤخر موجب تشدید یا افزایش خسارت گردد که در این صورت، سبب مؤخر مسؤول خسارت ناشی از فعل خود خواهد بود و اگر ضرر وارده مستمر باشد، تا قبل از دخالت سبب مؤخر، سبب مقدم مسؤول کل خسارت وارده و بعد از آن مسؤولیت بین آن دو توزیع می شود؛ در رابطه سبب جزئی نامعین، در صورت مشخص نبودن سهم هر کدام از اسباب، مسؤولیت بین اسبابی که احتمالاً کمترین نقش را در ورود ضرر داشته اند به صورت مساوی تقسیم می شود و بالاخره در فرض آخر یعنی اسباب نا معین در قلمرو زیان دیده، زیان دیده به میزان احتمالی که در ورود ضرر نقش داشته مسؤول خواهد بود.

قوانین کشور ما در خصوص مسؤولیت عوامل متعدّد پراکنده و در قانون مدنی، قانون مجازات اسلامی، قانون مسؤولیت مدنی و حتی قانون دریایی بیان شده است که این امر با توجه به تفکیک مسؤولیت مدنی از مسؤولیت کیفری قابل انتقاد است. قانونگذار در برخی موارد بر اساس درجه تأثیر، در بعضی به تساوی و در مواردی

هم بر مبنای درجه تقصیر، مسئولیت را میان عوامل تقسیم کرده و مسئولیت تضامنی را تنها در موارد مصرّح قانونی و قراردادی قابل اعمال دانسته است. اتخاذ مبنای گوناگون در فروض مختلف حاکی از پیچیدگی موضوع و سردرگمی قانونگذار در احراز رابطه سببیت است که بهتر بود قانونگذار همانند اصول حقوق مسئولیت مدنی اروپا ابتدا قاعده را مطرح می کرد و ملاک را سبب متعارف می دانست و در صورت تعدّد عوامل، نظریه تساوی مسئولیت را به عنوان اصل و بقیه موارد را به عنوان استثنای بر اصل پیش بینی می کرد ضمن آن که اثبات خلاف تساوی مسئولیت را بر عهده مدّعی می گذاشت. اصول مسئولیت مدنی اروپا به این دلیل که به مسئولیت اشتراکی و پذیرش آن در چارچوب نظام مسئولیت مدنی صراحت دارد، از کارآمدی بهتری برخوردار است؛ چراکه علاوه بر آن که این نوع از مسئولیت در مقایسه با مسئولیت تضامنی از معایب کمتری برخوردار است، قدر متیقّن آن است که عامل و سبب واقعی خسارت، حداقل قسمتی از مسئولیت واقعی خویش را به عهده خواهد گرفت. در مقابل، در حقوق ایران در رابطه با تقسیم مسئولیت عوامل متعدّد، میان متون قانونی مختلف رویه واحدی وجود ندارد. ضمن آن که قانون مسئولیت مدنی ایران که در سال ۱۳۳۹ و با هدف تکمیل مباحث مربوط به ضمان مندرج در قانون مدنی به تصویب رسیده، اگرچه در زمان خود، گامی رو به جلو تلقی می شد، امّا امروزه که زمان طولانی از تصویب آن می گذرد، با توجّه به تحولات عمیق رخ داده از کارآمدی لازم و کافی برخوردار نیست. به علاوه، قانونگذار ایران هنوز بسیاری از مقررات راجع به مسئولیت مدنی را در قانون مجازات آورده که قابل انتقاد است؛ چون علاوه بر این که تقسیم بندی مشخص و منقّحی در این قانون در خصوص حالات تعدّد مسؤولان حادثه دیده نمی شود، موارد پیش بینی شده ناقص بوده و در خصوص اعمال برخی از مواد قانون مجازات اسلامی نسبت به مسئولیت های مدنی که فاقد جنبه کیفری هستند تردید های جدّی وجود دارد و این در حالی است که قانون مسئولیت مدنی خیلی

مختصر و ناقص بوده و حتی برخی از مقررات راجع به مسؤولیت مدنی در قوانین پراکنده آمده است.

منابع

- السنهوری، عبدالرزاق احمد (۱۳۹۰)، دوره حقوق تعهدات (ضمان قهری - مسؤولیت مدنی)، ترجمه: سید مهدی دادمزی و محمد حسین دانش کیا، قم: دانشگاه قم.
- السنهوری، عبدالرزاق احمد (۱۹۵۲م)، الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید (نظریه الالتزام بوجه عام - مصادر الالتزام) ج ۲، قاهره: دار النشر للجامعات المصریه.
- امامی، سید حسن (۱۳۸۳)، حقوق مدنی، ج ۱، چ ۲۳، تهران: اسلامیة.
- اندرز، داود (۱۳۹۴)، متون حقوقی انگلیسی (اصول حقوق قراردادهای اروپا، اصول حقوق مسؤولیت مدنی قهری اروپا و قانون بیع کالای انگلستان)، چ ۲، تهران: مجد.
- باریکلو، علیرضا (۱۳۸۵)، مسؤولیت مدنی، تهران: میزان.
- باریکلو، علیرضا؛ برزگر، مهدی (۱۳۹۸)، بررسی سهم مسؤولیت مدنی عوامل متعدد در حقوق ایران و اصول حقوق مسؤولیت مدنی اروپایی، دو فصلنامه حقوق تطبیقی، ۱۱۱، ۲۵۳-۲۷۶.
- بهرامی احمدی، حمید (۱۳۹۳)، ضمان قهری (مسؤولیت مدنی) با مطالعه تطبیقی در فقه مذاهب اسلامی و نظام های حقوقی، چ ۲، تهران: ت دانشگاه امام صادق (ع).
- جبعی عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی (۱۴۱۳ق)، مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، ج ۱۲ و ۱۵، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
- حلی (محقق)، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق)، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ج ۴، قم: اسماعیلیان.
- خمینی (امام)، سید روح الله (بی تا)، تحریر الوسیله، ج ۲، قم: دار العلم.
- خوئی، سید ابوالقاسم (۱۳۹۶)، مبانی تکمله المنهاج، ج ۲، قم: دار الهادی؛ (۱۴۲۲ق)، ج ۴۲، قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی (ره).
- داراب پور، مهرباب (۱۳۹۰)، مسؤولیت های خارج از قرارداد (حقوق مدنی ۴)، چ ۲، تهران: مجد.

مسؤولیت مدنی عوامل متعدّد و نحوه تقسیم مسؤولیت بین آنها در حقوق ایران و ... — ۳۳۱

— دمرچیلی، محمد؛ حاتمی، علی؛ قرائی، محسن (۱۳۸۴)، **قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی**، ج ۵، تهران: میثاق عدالت.

— رشتی، میرزا حبیب اله (بی تا)، **کتاب الغصب**، چاپ سنگی، تهران: شیخ احمد شیرازی.

— صفایی، سید حسین؛ رحیمی، حبیب الله (۱۳۹۷)، **مسؤولیت مدنی تطبیقی**، تهران: شهر دانش.

— طوسی (شیخ الطائفه)، محمد بن حسن (۱۴۲۰)، **کتاب الخلاف**، ج ۲، چ ۲، تحقیق: سید علی خراسانی و دیگران، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

— عاملی (شهید اول)، محمد بن مکی (۱۴۱۷)، **الدروس الشرعیه فی فقه الامامیه**، ج ۳، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

— عاملی (شیخ بهائی)، بهاء الدین محمد بن حسین (بی تا)، **جامع عباسی**، تهران: فراهانی.

— عبدی ینگجه، مسلم (۱۳۸۹)، **مطالعه تطبیقی تعدّد اسباب در مسؤولیت مدنی**، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.

— عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۹)، **موجبات ضمان (درآمدی بر مسؤولیت مدنی و اسباب و آثار آن در فقه اسلامی)**، ج ۲، تهران: میزان.

— قاسم زاده، سید مرتضی (۱۳۸۶)، **الزام ها و مسؤولیت مدنی بدون قرارداد**، تهران: میزان.

— کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۱)، **الزام های خارج از قرارداد (مسؤولیت مدنی)**، ج ۱، چ ۱۱، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.

— کریمی، حسن؛ جعفرزاده، سیامک (۱۳۹۷)، **تحلیل و بررسی قلمرو قاعده لایبطل دم امری مسلم**، فصلنامه مطالعات حقوق، ۲۶، ۳۵-۶۰.

— محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۸۴)، **قواعد فقه (بخش مدنی)**، ج ۱۲، تهران: مرکز نشر اسلامی.

— مرعشی شوشتری، سید محمد حسن (۱۳۷۵)، **قاعده تسبیب**، نشریه دیدگاه های حقوق قضایی، ۲، ۲۲-۱.

— مصطفوی، سید مصطفی؛ امین زاده، سید محمد (۱۳۹۰)، **تعدّد عوامل موجب خسارت در حقوق ایران و فقه امامیه**، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

— مؤمنی، خسرو (۱۳۹۵)، **کیفیت مسؤولیت عوامل متعدّد زیان (نقد مواد ۵۲۶، ۵۳۳ و ۵۳۵ ق.م.ا.م.صوب ۱۳۹۲)**، فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۲۴، ۲۴۷-۲۷۴.

— نجفی (صاحب جواهر)، محمد حسن (بی تا)، **جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام**، ج ۳۷، بیروت: دار إحياء التراث العربی؛ (۱۳۶۷)، ج ۴۲، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

- نقیعی، ابوالقاسم (۱۳۸۶)، *مطالعات تطبیقی ملاک ارزیابی خسارت در فرض تعدد اسباب ایراد خسارت در حقوق اسلامی*، حقوق و علوم سیاسی، ۲، ۷۵-۹۰.
- هاشمی، سید احمد علی (۱۳۹۲)، *اسباب متعدد در مسؤولیت مدنی*، دو فصلنامه علمی پژوهشی دانش حقوق مدنی، ۲، ۱-۱۵.

- Bénédicte Winiger, Helmut Koziol, Bernhard A. Koch, Reinhard Zimmermann (2010), **Essential Cases on Natural Causation (Digest of European Tort Law)**. Volume 1, Springer.
- Bernhard A. Koch (2007), **Unification of Tort Law: Strict Liability (Principles of European Tort Law Set)**, 1st ed. Kluwer Law International.
- Carol, Harlaw (2005), **Understanding Tort Law**, 3rd ed, Sweet & Maxwell.
- Dan B, Dobbs (2000), **The Law of Torts**, West Group.
- D. Barker, Colin Padfield (2007), **Law Made Simple**, 12th ed, Routledge.
- European Group on Tort Law (2005), **Principles of European Tort Law**, Text and Commentary, Springer.
- Helmut, Koziol (2007), **Comparative Law – A Must in the European Union: Demonstrated by Tort Law as an Example**, Journal of Tort Law, Vol. 1, no. 3. Retrieved from: <https://doi.org/10.2202/1932-9148.1054>
- J. Spier/O.A. Haazen (2000), **Comparative Conclusions on Causation in: Unification of Tort Law**, Kluwer Law International.
- Ulrich, Magnus (2001), **Unification of Tort Law: Damages (Principles of European Tort Law Set)**, 1st ed, Kluwer Law International.
- WVH, Rogers (2010), **Winfield and Jolowicz on Tort**, 18 ed, Sweet & Maxwell.

References

- Abdollahi Yengejeh, Moslem (2010), *A Comparative Study of Multiple Causes in Civil Liability*, Master's Thesis, Tehran: Islamic Azad University, Central Tehran Branch.
- Amidi Zanjani, Abbas Ali (2010), *Grounds for Liability (An Introduction to Civil Liability and Its Causes and Effects in Islamic Jurisprudence)*, 2nd ed., Tehran: Mizan.
- Andarz, Davoud (2015), *English Legal Texts (Principles of European Contract Law, Principles of European Tort Law, and the UK Sale of Goods Act)*, 2nd ed., Tehran: Majd.

- Barker, D. Colin & Padfield (2007), *Law Made Simple*, 12th ed., Routledge.
- Barikloo, Alireza (2006), *Civil Liability*, Tehran: Mizan.
- Barikloo, Alireza & Borzougar, Mehdi (2019), *Examining the Share of Civil Liability of Multiple Factors in Iranian Law and European Principles of Tort Law*, *Comparative Law Journal*, 111, 253-276.
- Bahrami Ahmadi, Hamid (2014), *Non-Contractual Liability (Civil Liability) with a Comparative Study in Islamic Jurisprudence and Legal Systems*, 2nd ed., Tehran: Imam Sadegh University Press.
- Bénédicte Winiger, Helmut Koziol, Bernhard A. Koch, Reinhard Zimmermann (2010), *Essential Cases on Natural Causation (Digest of European Tort Law)*, Vol. 1, Springer.
- Bernhard A. Koch (2007), *Unification of Tort Law: Strict Liability (Principles of European Tort Law Set)*, 1st ed., Kluwer Law International.
- Carol, Harlow (2005), *Understanding Tort Law*, 3rd ed., Sweet & Maxwell.
- Dan B. Dobbs (2000), *The Law of Torts*, West Group.
- Darabpour, Mehrab (2011), *Non-Contractual Liabilities (Civil Law 4)*, 2nd ed., Tehran: Majd.
- Damirchili, Mohammad; Hatami, Ali; Qaraei, Mohsen (2005), *Commercial Law in the Current Legal System*, 5th ed., Tehran: Meysaq-e Edalat.
- European Group on Tort Law (2005), *Principles of European Tort Law, Text and Commentary*, Springer.
- Haeri Yazdi, Abdolkarim (1997), *Civil Liability in Islamic Jurisprudence and Iranian Law*, Qom: Islamic Publications Office.
- Hashemi, Seyyed Ahmad Ali (2013), *Multiple Causes in Civil Liability*, *Biannual Journal of Civil Law Knowledge*, 2, 1-15.
- Helmut Koziol (2007), *Comparative Law – A Must in the European Union: Demonstrated by Tort Law as an Example*, *Journal of Tort Law*, Vol. 1, No. 3.
- Hilli (Muhagiqq), Ja'far ibn Hasan (1988), *Sharayi' al-Islam fi Masail al-Halal wa al-Haram*, Vol. 4, Qom: Ismailiyan.
- Jafari Langroudi, Mohammad Ja'far (2006), *Terminology of Law*, 3rd ed., Tehran: Ganj-e Danesh.
- J. Spier/O.A. Haazen (2000), *Comparative Conclusions on Causation in: Unification of Tort Law*, Kluwer Law International.
- Katouzian, Nasser (2012), *Non-Contractual Obligations (Civil Liability)*, Vol. 1, 11th ed., Tehran: University of Tehran Press.

- Karimi, Hassan & Jafarzadeh, Siamak (2018), *Analysis of the Scope of the Rule "La Yubtil Dam Amri Muslim"*, *Journal of Legal Studies*, 26, 35-60.
- Koch, Bernhard A. (2007), *Unification of Tort Law: Strict Liability (Principles of European Tort Law Set)*, 1st ed., Kluwer Law International.
- Magnus, Ulrich (2001), *Unification of Tort Law: Damages (Principles of European Tort Law Set)*, 1st ed., Kluwer Law International.
- Mohaghegh Damad, Seyyed Mostafa (2005), *Jurisprudential Rules (Civil Section)*, 12th ed., Tehran: Islamic Publishing Center.
- Momeni, Khosrow (2016), *The Nature of Liability of Multiple Harmful Factors (Critique of Articles 526, 533, and 535 of the Islamic Penal Code, 2013)*, *Journal of Islamic Jurisprudence and Law*, 24, 247-274.
- Najafi (Sahib Jawahir), Muhammad Hasan (n.d.), *Jawahir al-Kalam fi Sharh Sharayi' al-Islam*, Vol. 37, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi; (1988), Vol. 42, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya.
- Naqibi, Abolqasem (2007), *Comparative Studies on the Criterion for Assessing Damages in Cases of Multiple Causes of Harm in Islamic Law*, *Law and Political Science Journal*, 2, 75-90.
- Rashti, Mirza Habibollah (n.d.), *Kitab al-Ghasb*, Lithograph, Tehran: Sheikh Ahmad Shirazi.
- Rogers, WVH (2010), *Winfield and Jolowicz on Tort*, 18th ed., Sweet & Maxwell.
- Sanhuri, Abd al-Razzaq Ahmad (2011), *The Law of Obligations (Non-Contractual Guarantee – Civil Liability)*, Translated by Seyyed Mehdi Dadmarzi & Mohammad Hossein Daneshkia, Qom: University of Qom.
- Sanhuri, Abd al-Razzaq Ahmad (1952), *Al-Wasit fi Sharh al-Qanun al-Madani al-Jadid (General Theory of Obligation – Sources of Obligation)*, Vol. 2, Cairo: Dar al-Nashr lil-Jami'at al-Misriyya.
- Safaei, Seyyed Hossein & Rahimi, Habibollah (2018), *Comparative Civil Liability*, Tehran: Shahre Danesh.
- Qasemzadeh, Seyyed Morteza (2007), *Non-Contractual Obligations and Civil Liability*, Tehran: Mizan.
- Tusi (Shaykh al-Ta'ifa), Muhammad ibn Hasan (1999), *Kitab al-Khilaf*, Vol. 2, 2nd ed., Researched by Seyyed Ali Khorasani et al., Qom: Islamic Publishing Foundation.
- Ulrich Magnus (2001), *Unification of Tort Law: Damages (Principles of European Tort Law Set)*, 1st ed., Kluwer Law International.
- WVH Rogers (2010), *Winfield and Jolowicz on Tort*, 18th ed., Sweet & Maxwell.